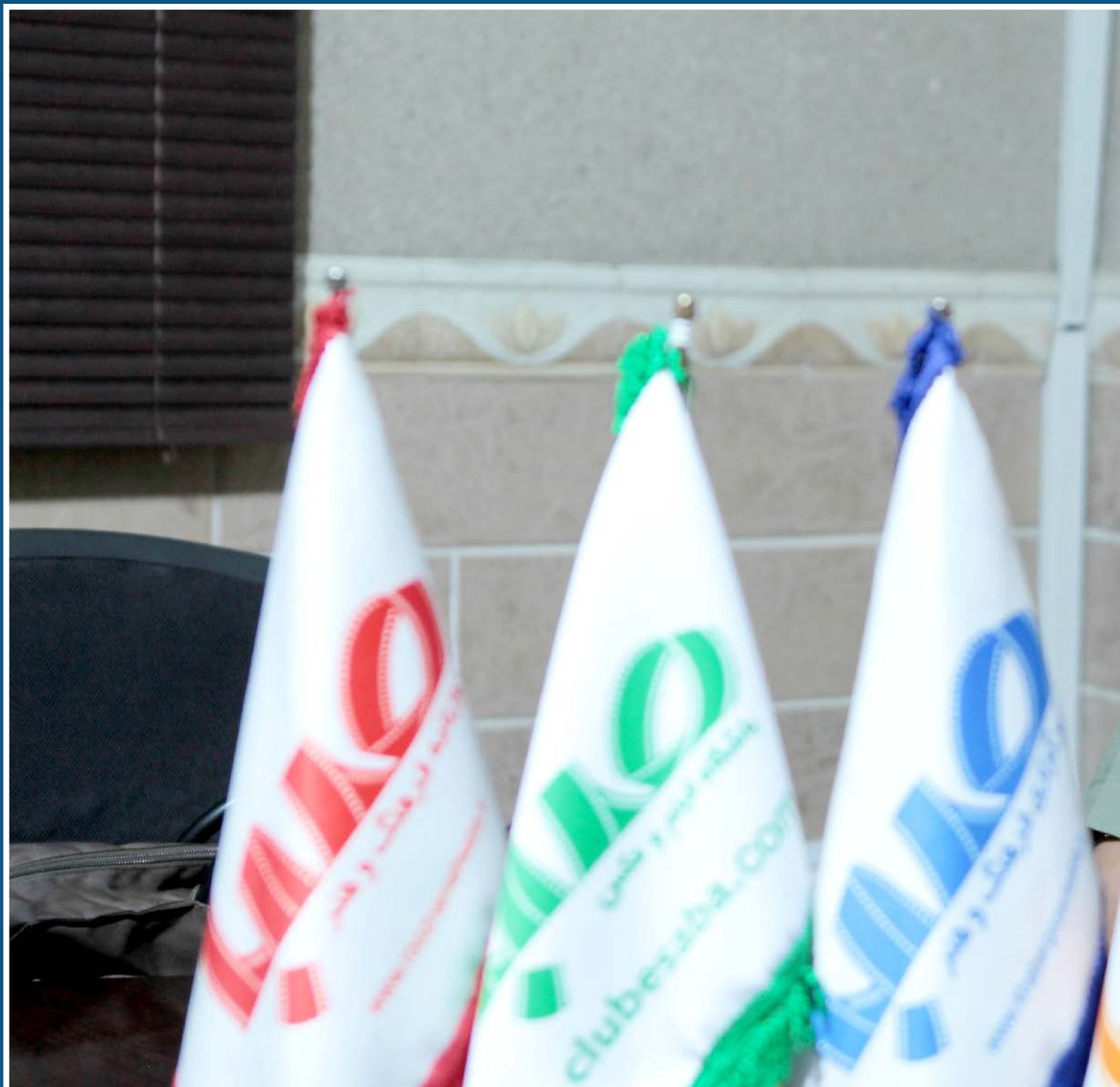


اخط کشیدم



روند آشنایی تان با نشر نیلا چگونه بود؟

با حمید امجد دوست بودم و اولین کار مشترک ترجمه من و رامین ناصر نصیر در نیلا منتشر شد و من به شوق آدمم و تمرکز روی ترجمه شد.

از ترجمه به شوق می آمدید؟

بله و کارم را با علاقه و عشق ادامه دادم.

انتخاب‌های تان در ترجمه درست و هوشمندانه بود و متن‌های نویسندگانی مثل نیل سایمون را که بسیار سبک نوشتاری‌اش با ذائقه کتاب خوانها و هنرمندان ایرانی همخوان است را انتخاب کردید؟

سایمون بر خلاف نظر دوستان وزارت فرهنگ که مجوز نشر چند کارش را نمی‌دهد بسیار اخلاق‌گرا است.

کدام متن‌ها؟

اجازه چاپ مجدد «عاقبت عشاق سینه چاک» را نمی‌دهند. با توجه به تعدد ارتباط بین شخصیتها در این اثر ته کار، سایمون می‌خواهد مطرح کند که خانواده امن‌ترین جای دنیا است. روحیه و فضای زیست امریکایی دهه شصت و هفتاد میلادی در کلیت اخلاق‌گرا بود.

این قضیه که برای ترجمه کتابی ماهها و سالها زحمت می‌کشید و با مشکلاتی مثل ممیزی و سایر قضا یا مواجه هستید و در آخر هم تیراژش آن زیر هزار نسخه است آزارتان نمی‌دهد؟

از سال ۵۸ کتاب جمع می‌کنم. کتاب‌های نشر نیل و تیراژشان را در دهه چهل نگاه می‌کنم زیر سه هزار و خرده‌ای نبود. کم شدن تیراژ کتاب واقعا خجالت‌آور است.

انتخاب‌های هوشمندانه‌ای از ترجمه نویسندگانی مثل آیرا لوین (اتاق ورنیکا) دارید. بر اساس چه ویژگی‌هایی برای ترجمه انتخاب می‌کنید؟

من همیشه بر اساس انتخاب خودم کتاب ترجمه می‌کنم و همین اتاق ورنیکا بارها تجدید چاپ شده است و بارها در تئاتر هم نمایش بر اساسش روی صحنه رفته است. هفته پیش خدمت آقای شاطریان (نشر بیدگل) بودم و جدیدترین کارم را که از آیرا لوین است برای چاپ آماده‌اش کردم.

آیرا لوین نویسنده مورد نظر تان برای ترجمه آیرا لوین است؟

بله، تمرکز روی ترجمه مجموعه آثار لوین است.

بر اساس کتاب «چند چرک نویس چرو کیده» شما چند باری در تئاتر نمایش‌هایی روی صحنه رفته است. چقدر از این اقتباس‌ها راضی هستید؟

آن جویری که فکر می‌کردم این کتاب دیده نشد و نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاد. این کتاب حاصل یک ضرورت بود. تصادفی پیشنهاد ساخت برنامه تلویزیونی در شبکه ۴ داشتم و تهیه‌کننده پیشنهاد استفاده از کتاب «پزشک نازنین» را برای این برنامه داد و می‌خواست این برنامه در همین حال و هوا باشد و گفتم این کتاب ظرفیت ساخت ۵ برنامه را دارد و ما ۱۳ برنامه داریم و خواست که خودم متن‌های بعدی را بنویسم و در ظرف ده روز ۸ متن دیگر را نوشتم و ساخت شروع شد و این شد ما حاصل کتاب «چند چرک نویس چرو کیده» که بعدا چاپش کردم.

این مسئله که یک نمایشنامه توسط دو مترجم ترجمه می‌شود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کار درستی است و عیبی ندارد. من و آهو خردمند هر دو ترجمه‌های از «پزشک نازنین» داریم و ترجمه ایشان منبعث بر نگاهشان است.

شما با اصغر فرهادی و پر یسا بخت‌آور هم دانشگاهی بودید. به چه دلیل کار مشترکی نداشتید؟

اصغر فرهادی ورودی ۷۰ و من ورودی ۷۱ بودم. او ادبیات نمایشی می‌خواند و من بازیگری. فرهادی، فروتن و همسرشان نغمه ثمینی و تعدادی دیگر از دوستان جزو دانشجویان خوش‌آبیه و مستعد سال ۷۰ بودند. در آن دوران می‌شد نبوغ را در خیلی از دانشجویان دید. یکی از کسانی که نمی‌شد پیش‌بینی کرد که اینقدر موفق خواهد شد اصغر فرهادی بود. ایشان در تمام مدت دانشجویی محبوب و خلوت‌گزین بود و تنها یک نمایشنامه با عنوان «ماشین‌نشین‌ها» را کارگردانی کرد و کمتر می‌نوشت. چند وقت بعد موقع بیرون آمدن از دانشگاه حوالی میدان انقلاب فرهادی را دیدم و بعد از سلام و علیک گفت خدمت استاد عباس جوانمرد بودم و این برایم جالب بود که جوانمرد، فرهادی جوان را پذیرفته است و حتما فرهادی تفکر‌اتش از جوانمرد تأثیراتی پذیرفته است. چند سال بعد موقعی که جوانمرد به ایران آمد و ایشان را در دانشگاه دیدم و خاطره فرهادی را برایش بازگو کردم و گفت همان موقع استعداد بزرگی را در فرهادی دیده‌ام.

در آن دوران رفاقتی با فرهادی نداشتید؟

فقط در حد سلام و علیک ارتباط داشتیم. یاد می‌آید پر یسا بخت‌آور برای واحد مبنای کارگردانی باید چند نفر را برای کارشان (نمایش ناقص) نوشته یونسکو انتخاب می‌کرد و من یکی از این انتخاب‌شدگان بودم.

شما چه عکس‌العملی نشان دادید؟

من کاری نکردم. بزرگان در این قضیه ورود کردند. اینکه بازیگری که از سینمای اکشن می‌آید از کارگردانی مثل افخمی که رویکرد دیگری در فیلمسازی دارد حمایت کند نکته جالبی بود. از فردا افخمی دکوپاژ را می‌نوشت و فرحبخش به همراه فیلمبردار کار را ادامه دادند و افخمی قهر نکرد که برود تهران. موقع برگشت افخمی هم با ما برگشت و حرف‌های عمل کرد و گفت اگر اینکار را نمی‌کرد فیلم نمی‌توانست به جشنواره برسد. بعدا شنیدیم که مشکل افخمی این بود که راش‌ها حین فیلمبرداری به تهران می‌آمد و بدون اجازه افخمی رفت کات توسط زورک انجام شده بود. در حالی که معمولاً فیلم‌های افخمی در تدوین با نظارت او است که سر و شکل به خودشان می‌گیرند.

بعد از دور شدن از بازیگری یک دوره بسیار موفقیت آمیز با حمید امجد در نشر نیلا را شروع کردید؟

الان هم با هم همکاری داریم. سال ۷۷ بعد از قبولی در دوره ارشد در دانشگاه همچنان بازی می‌کردم و کار آخرم با مهرداد خوشبخت بود که برایم دوست داشتنی است و در حین سپری کردن دوره ارشد با خودم تصمیم گرفتم دور بازیگری را خط بکشم و زیاد هم مناسبات درون بازیگری در سینما را دوست نداشتم و هیچ وقت پشت صحنه هیچ فیلمی نرفتم و به تهیه‌کننده‌های هم‌زنگ ندم که فلان مناسبت را تبریک بگویم. با هیچ عواملی در سینما صمیمی نمی‌شدم و اصلا با گریم در فیلم‌های رئال زاویه داشتم و غیر ضروری می‌دانستم‌شان و قرار نبود که فیلم تیم بر تونی بسازیم که گریم نیاز داشته باشد. تا به امروز بیش از ۲۲ عنوان کتاب چاپ شده و ۱۵ عنوان توقیف شده‌ام. الان هم سالی یکی - دو بار بیشتر سینما نمی‌روم.

یک کارگردان در درونش وجود دارد که البته جرات نمی‌کند موقعی که قد کچیان و یا افخمی کارگردان هستند آن را بروز بدهد!

بیشتر این وجوه شخصیتش در قبال کارگردان‌های جوان بروز و ظهور پیدا می‌کند؟

بله، کل فیلمنامه نمای پی او وی شخصیتی بود که من بازی‌اش می‌کردم و افخمی و فرحبخش به این نتیجه رسیدند تماشاگر این نوع آثار نمی‌تواند با پی او وی ارتباط برقرار کند و رفتند به سراغ روایت خطی و اینطوری کار شروع شد و بیس فیلم بر تلاش من برای نجات جان جمشید آریا (هاشم‌پور) استوار شد. نکته دیگر نبود فیلمبردار مورد علاقه افخمی یعنی نعمت حقیقی بود و چالش مهم بین افخمی و فرحبخش برای تایم روزانه فیلمبرداری بود که فرحبخش رضایت نمی‌داد در طول روز فقط یک دقیقه و کمتر با کندی و طمانینه فیلمبرداری شود و افخمی حین کار زاویه پیدا کرد.

از همان روز اول که خبر تولید فیلم افخمی در پویا فیلم در رسانه‌ها اعلام شد خیلی‌ها به این همکاری و موفقیتش تردید داشتند؟

همه این را می‌گفتند و بهروز افخمی بر اساس لچ مهندس ضرغامی آمد این فیلم را ساخت و در یک غروب بی در سکانسی که کنار دریا فیلمبرداری انجام می‌شد این چالشها بین او و فرحبخش آشکار شد و من و جمشید آریا مشغول تمرین بودیم و تمرین‌ها مورد رضایت افخمی از کار در نمی‌آمد و فرحبخش می‌گفت زودتر بگیریم و افخمی می‌گفت بیا شما بگیر و خونسرد پیاده رفت طرف هتل و فرحبخش گفت می‌گیریم. جمشید آریا با ادامه فیلمبرداری در غیاب افخمی مخالفت کرد و او هم رفت به طرف هتل و فرحبخش از این وضعیت ناراحت شد.